



تاریخ

۲۲

اولین قربانیان سلاح هسته‌ای ...



حکمت و اندیشه

۲۰

شمس تبریز تو را عشق شناسد نه خرد

۲۱

جلو رفتن در همان جاده قدیمی ...



ادبیات و کتاب

۱۸

افسون‌زدگی معنا

۱۹

پکا و امیدهای نشر نخبه‌گرا



رسانه و سینما

۱۶

گزارشی از برنامه رادیویی تیک تاک ...

۱۷

جنگ گنگسترها



گفت‌وگوی شرق با محمدرضا سرشار (رضا رهگذر)

ما آرمان‌گرا هستیم

مهدی یزدانی خرم

Yazdani@sharghnewsaper.com

بخش اول

طبقه چهارم ساختمان سروش . اغلب اتاق‌ها خالی شده‌اند . ساعت اداری تمام شده و آسانسورها کار زیادی ندارند . صورت‌م در بدنه استیل آسانسور کش می‌آید و ول می‌شود روی سطح لک گرفته فلز . این آسانسورها را تازه نصب کرده‌اند . در باز می‌شود و باز همان بوی قدیمی که هر وقت به ساختمان سروش می‌آیم، هست . طبقه چهارم جای آشنایی است . بارها آمده‌ام و پیچیده‌ام سمت چپ ، رفته‌ام دفتر رضا سیدحسینی که سال‌های سال در آنجا و در اتاقی پر از فرهنگ و کلمات فرانسه ، فرهنگ آثار را نظارت می‌کرد . این بار سمت راست می‌پیچم ، جایی که علامت دیواری دفتر «سروش نوجوان» را نشان می‌دهد .

آتچا محمدرضا سرشار- رهگذر- مرتب ، با چهره‌ای که نشان از سلامتی دارد و صدایی که چند ماه پیش از رادیو استعفا داد ، جواب سلام می‌دهد و لبخند می‌زند . . . توضیح درباره رضا رهگذر کار عبثی است . کمتر نویسنده و روشنفکری است که او را نشناسد و نداند که مرد شماره یک نویسندگان اصولگرا است . مردی که از سال‌های قبل از انقلاب نوشتن را شروع کرده و بعد از تحقق انقلاب بیش از ۵۰ عنوان کتاب و ده‌ها پست مدیریتی و اجرایی داشته است . پست‌هایی که کمی بعد از شروع به کار دولت محمود احمدی‌نژاد- ناگهان- از اکثر آنها استعفا داد و باعث شد موافقان و مخالفانش فکر کنند اتفاقی افتاده است . رهگذر متولد سال کودتا است : ۱۳۳۲ . از سال ۱۳۵۰ فعالیت ادبی داشته و تا به امروز از توربین‌های اصلی نویسندگان اصولگرا بوده است . نقدها و نوشته‌هایش در باب نویسندگان مصطلح به روشنفکران همواره تداوم داشته و همین باعث شده تا او برعکس بسیاری

از نویسندگان همفکر خود هیچ تغییری در آرا و نظراتش به وجود نیاید . . . نگاهش می‌کنم . چهره‌اش نشان از سلامتی دارد اما خسته و شاید کمی درهم رفته است . مقابلش می‌نشینم و مردی را می‌بینم که بیش از ۲۷ سال است از آرمان‌هایش دفاع کرده است . مردی که این روزها و در ۵۴سالگی می‌خواهد بیشتر به قصه نوشتن بپردازد و شاید به تنهایی فرو برود . شاید . . .

■جناب سرشار ، بعد از چندی که از انتخابیات ریاست جمهوری گذشت شاهد بودیم که به یک‌باره از تمام سمت‌ها و پست‌های خود مانند «اجرای قصه ظهر جمعه» ، «فعالیت در حوزه هنری» و . . . استعفا دادید . البته در برخی سایت‌ها خواندم که این حرکت را به دلیل پرداختن بیشتر به امور شخصی‌تر و نویسندگی برشمرده‌اید اما گویا دلایل دیگری نیز وجود دارد . می‌شود درباره ترک بسیاری از فعالیت‌ها و سمت‌های خود توضیح دهید؟

جمع‌شان روی هم وقت زیادی از من می‌گرفت . آفت دیگر این خرده‌کاری‌های پراکنده ، تقسیم و تشتت ذهن و عدم امکان تمرکز کافی روی کار نوشتن بود .

■حوزه هنری چطور؟ وضعیت‌تان در قبال حوزه چطور بود؟ موضوع بازخرید کردن خودم از حوزه هنری مربوط به اردیبهشت‌ماه امسال است و با آن استعفاها حداقل هشت‌ماه فاصله دارد . البته این قضایا دلایل متعدد دیگری هم داشت . یکی اینکه به هر حال شرایط دیگری بر اوضاع فرهنگی کشور حاکم شده بود که به نظر می‌رسید بنده در این شرایط دیگر نقش کار زیادی ندارم . بعد از سالیانتمادی که به نقد و تحلیل مسائل مختلف فرهنگی و ادبی پرداختم ، دیدم که این نقدها گویا تاثیر محسوسی نداشته است . احساس کردم اینها یک

سلسله خرده‌کارهایی است که تاثیر آن‌چنانی هم بر اوضاع نمی‌گذارد و فقط وقت و انرژی بسیاری از کسی مثل من می‌گیرد که می‌توانم کارهای مهم‌تری انجام دهم . می‌دانید که معمولاً متوسط عمر هنرمندان در کشور ما حدود شصت و دو ، سه سال است . یعنی به این ترتیب و در یک محاسبه خوشبینانه ، من حداکثر ده سال دیگر وقت داشتم . یک‌سوم از این ده سال که در خواب می‌گذرد . حداقل یک‌سوم صرف رفع حایج شخصی و مادی زندگی می‌شود . پس شاید فقط سه سال و نیم زمان واقعی برای نوشتن من باقی بماند . دیدم اگر بخواهم این زمان را هم برای خرده‌کاری‌های تکراری کم‌ثمر صرف کنم ، واقعاً بدترین استفاده را از وقتم کرده‌ام . بنابر این بهتر دیدم که به جمع‌آوری و تکمیل کارهای پراکنده و متنوع

خودم- که بعضاً وقت زیادی هم برای آماده شدن نمی‌خواهند- بپردازم . این یک دلیل . اما دلیل دیگر این بود که احساس کردم در یک دور باطل می‌چرخم . بار اول هیأت‌منصفه مطبوعات ، بار دوم ، بار سوم هیأت‌منصفه . . . بار اول هیأت‌مدیره انجمن قلم ، بار دوم ، بار سوم ، بار چهارم و . . . همان کارهای قبلی است که به شکل‌های مختلف تکرار می‌شود . شرایط و موضوع نقدها در حیطه کار من هم- با کم و زیادهایی- همان شرایط و مضامین است . . . در عین حال به این نتیجه رسیدم که تغییر اوضاع فرهنگی در این روزگار ، بیشتر با داشتن قدرت امکان‌پذیر است و نه با نقد مطبوعاتی . که در حیطه کاری ، علایق و وظایف من نمی‌گنجد .

ادامه در صفحه ۱۹

نگاه اول

پکا و امیدهای نشر نخبه‌گرا

مهران حیدریان

اخیراً خبر بزرگترین نمایشگاه حراج کتاب پکا روی تلکس خبرگزاری‌ها درج شد و این خبر در محافل مطبوعاتی و انتشاراتی بازتاب فراوانی داشت . بسیاری از نخبگان فرهنگی با نام پکا (شرکت پخش و توسعه کتاب ایران) آشنا هستند . پکا در سال‌های تأسیس و فعالیت خود همکاری و عضویت حدود یکصد ناشر فعال و پیشکسوت بخش خصوصی کشور را پذیرا شد . این موسسه بزرگ فرهنگی اگرچه با هدف گذر از توزیع سنتی به توزیع علمی و روزآمد کتاب تأسیس شد در تمام سال‌های فعالیت خود هرگز به این مهم دست نیافت . آگاهان دلیل اختلاف‌نظر میان اعضای هیأت‌مدیره و سهامداران را همین تاکامی در فروش مشترک تولیدات می‌دانند . در عوض پکا در امر مبادی توسعه فرهنگی گام‌های موثری برداشت . از جمله می‌توان به طرح تعویض کاغذ باطله با بن رایگان کتاب و اهدای نخستین جوایز ادبی سال در بخش خصوصی ، ترجمه و معرفی متون مهم ادبی ایران در بازارهای جهانی به ویژه کشورهای اسلامی اشاره کرد که عمق تاثیر این قدم‌ها بر اهل فرهنگ پوشیده نیست . با اینکه چندی پیش در یکی از روزنامه‌های صبح خبر انحلال پکا توسط یکی از اعضای هیأت‌مدیره آن شرکت تکذیب شد اما هنوز زمزمه‌هایی دال بر جدایی شرکای این موسسه و انحلال پکا به گوش می‌رسد . بی‌اشکوهیم پیشاپیش درباره این احتمال ناخوشایند قضاوتی کرده باشیم این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که آیا طرح حراج کتب کمیاب ، باارزش و قدیمی این موسسه در کنار تردید چندماهه برای انتخاب مدیران جدید و عدم برگزاری جوایز مهرگان در سال ۸۵ یک گام دیگر از مراحل تعطیلی پکا نیست؟ آیا باز هم داستان عجیب پیچیدن پبله‌های سنت بر پیکر نخبگان جامعه تکرار می‌شود تا به آنان ثابت کند که هرگونه تلاش ایشان برای دستیابی به یک موفقیت مطلوب در کار جمعی محکوم به شکست است؟ طنز ماجرا این است که این بار با موضوع بازی و ورزش روبه‌رو نیستیم تا تجویز شمردن سهم خود را دلیل شکست بدانیم . این بار مستقیماً با خود خردمندان و طبقات فرهنگی جامعه روبه‌رو هستیم که ظاهرآ از سرمایه کافی برای تحلیل وقایع پیرامونشان و قدرت تصمیم‌گیری درباره اهداف دست‌یافتنی بهره‌مندند . شایان توجه است که سهامداران پکا هر یک به تنهایی نمونه‌های برجسته صنف خود هستند .

ادامه در صفحه ۱۹

Life's Good

LCD برتر، الجی.

Monitors

سری مولتی مدیا M1710S ULTRA FAST Response Time 17" 1280x1024	سری سیه فام L1720B ULTRA FAST Response Time 17" 1280x1024	سری نقره فام L1730S ULTRA FAST Response Time 17" 1280x1024	هم مانیتور هم تلویزیون M1710A ULTRA FAST Response Time 17" 1280x1024	سری سپیدفام L1740P ULTRA FAST Response Time 17" 1280x1024
سری مولتی مدیا M1510S ULTRA FAST Response Time 15" 1024x768	سری سیه فام L1520B ULTRA FAST Response Time 15" 1024x768	سری نقره فام L1530S ULTRA FAST Response Time 15" 1024x768	هم مانیتور هم تلویزیون M1510A ULTRA FAST Response Time 15" 1024x768	سری سپیدفام L1940PQ ULTRA FAST Response Time 19" 1280x1024
سری استاندارد L1950SQ ULTRA FAST Response Time 19" 1280x1024	سری استاندارد L1932P ULTRA FAST Response Time 19" 1280x1024	Ultra Slim Series L1980Q ULTRA FAST Response Time 19" 1280x1024	کمات در محل شما در کمتر از دو ساعت 2 مادیران	

www.lge.ir • www.maadiran.com • خدمات: ۰۸۶۰۱۶۳۶ • فروش: ۰۸۸۷۸۱۵۰۰۰